

بررسی آماری اوزان غزل‌های غالب دهلوی

دکتر محمد رضا نجاریان* مریم غضنفری**

چکیده

غالب دهلوی معروفترین سخن‌سرای قرن سیزدهم هـ.ق. در هند است. در آن سرزمین او را لسان الغیب و شهنشاه سخن می‌نامند. غالب ۳۳۴ غزل فارسی خود را در ۲۰ وزن سروده است؛ ۸۵ درصد غزل‌های او در شش وزن پر کاربرد کل غزل فارسی و غزل سبک هندی است. به این ترتیب، بیشتر غزل‌های غالب مطابق معیار و شیوه‌های معمول زمان است؛ اما از اوزان کم‌کاربرد نیز در غزل خود بهره گرفته است. قالب غزل با توجه به ماهیت آن پیوند عمیق‌تری با موسیقی دارد و نقش وزن در آن برجسته‌تر از دیگر قالب‌هاست و ما در این مقاله سعی داریم تا به معرفی آماری اوزان غزل‌های غالب بپردازیم. بحرهای مضارع، مجتث، رمل و هزج پرکاربردترین اوزان غزل او را شامل می‌شود. وزن‌های کوتاه در غزل غالب کمتر استفاده شده است. از ویژگی‌های اوزان مورد علاقه او بلندبودن، ثقیل بودن و قابلیت تقسیم به دوپاره است. وزن فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن تنها وزن نادر غزل غالب است که ۴ غزل را به این وزن سروده است.

واژه‌های کلیدی

غالب دهلوی، غزل، شعر سبک هندی، وزن.

مقدمه

میرزا اسدالله خان نجم الدوله دبیر الملک متخلص به غالب ابن عبدالله بیگ‌خان شاعر و نویسنده و محقق مسلمان هندی (ولادت ۱۲۱۲ هـ/ق ۱۷۹۶ میلادی وفات ۱۲۸۵ هـ/ق ۱۸۶۹ میلادی) است. اصل او از توران است و نیاکان او ترک ایبک بودند. در اشعارش تأثیر و احساسات شکست مغول (تیموریان باری) نمودار است.

غالب، پیشرو سبک نو در شعر اردوست و نخستین شاعری است که عقاید و نظریات فلسفی را در شعر اردو وارد کرده، و در نتیجه شعرش ترکیبی از فلسفه و عرفان و حاکی از درد و تأثر است. غالب با وجود آن که پدر شعر اردو خوانده می‌شود؛ ولی اشعار فارسی خود را نسبت به اردو برتر می‌داند، چنانکه می‌گوید:

فارسی بین تا بینی نقش های رنگ رنگ بگذر از مجموعه اردو که بیرنگ منست
(کلیات دیوان غالب، قطعه ۷: ص ۳۸۷)

میرزا اسدالله خان غالب زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که از یک سو تسلط مأموران امپراطوری بریتانیا، زبان‌ها را بسته و نفس‌ها را در سینه حبس کرده بود و زبان فارسی که غالب به آن عشق می‌ورزید، در سرزمین هند راه انحطاط می‌پیمود و از سوی دیگر بساط امیران و فرمانروایان محلی یک یک برچیده می‌شد و غالب نه مجال آن داشت که برای دل خود شعر بگوید و در فضای آزادی پرو بال بگشاید و نه ممدوحی می‌یافت که زبانش را بفهمد و هنر بی نظیرش را تحسین کند.

علامه اقبال در یکی از منظومه‌های اردوی خود شعر وی را فوق العاده زیبا و کم نظیر دانسته و او را با شاعر بزرگ آلمانی «گوته» مقایسه نموده است (فرجاد: ۱۹۹۷م: تقریظ ۱۵).

تنها مطالعه غزل‌ها و قصاید میرزا اسدالله خان غالب ما را به رفعت طبع و اوج اندیشه او در شعر و شاعری رهبری می‌کند؛ اما شاعر و نویسنده‌ای در این حد از توانایی و ذوق و قریحه که در انواع فنون شعر و نثر فارسی - با وجود آنکه زبان مادری او نبوده - دستی قوی داشته، در ایران ناشناخته مانده است.

خود او همیشه حس می‌کرد که آن طوری که باید ارزش شعرش شناخته نشده و از همین حیث گفته است:

رهرو تفته در رفته به آبم غالب توشه بر لب جو مانده نشان است مرا
(غالب دهلوی، ص ۱۷، غزل ۱۹)

بنابراین میرزا آن چنانکه باید در جهان ادب شناخته نشده است؛ البته تلاش‌هایی برای معرفی احوال و آثار او به کوشش محمدحسن حائری، محمدعلی فرجاد و خواجه الطاف حسین حالی صورت گرفته است و مقالاتی نیز به فارسی و اردو درباره غالب و کارهای علمی و ادبی او نوشته شده است.

غالب دهلوی با وجود علاقه فراوانی که به تاریخ و فرهنگ ایران داشته و دلبستگی به ایران و زبان فارسی را همواره مورد افتخار خود می‌دانسته، تقریباً بکلی مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است تا با معرفی و بررسی اوزان غزل یادی از این شاعر اندیشمند شود و اهل ادب به پایه شعر میرزا و حقیقت آثار او بذل عنایتی بنمایند. در باب اوزان رایج غزل و سیر تحول تاریخی آن تحقیقاتی به وسیله خانلری، ساتن، شمیسا و صبوری انجام شده است. دکتر خانلری کاربرد بیست وزن پرکاربردتر را از قرن ششم تا قرن سیزدهم مورد بررسی قرار داده است و چگونگی و علل تغییر میزان کاربرد اوزان را در دوره‌های مختلف بیان کرده است.

صبوری در کتاب «آفاق غزل فارسی» خصوصیات اوزان غزل و تحولات مربوط به آن را بیان نموده است. در این کتاب ابتدا سیر تحولات تغزل و غزل مورد بررسی قرار گرفته و سپس ویژگیهای غزل غنایی، اندیشه‌های عرفانی در غزل و سیر تکامل غزل در دوره‌های مختلف بیان گردیده است.

در این پژوهش غزل‌های غالب از منظر وزن مورد بررسی قرار گرفته است و تنوع اوزان غزل‌های او از لحاظ آماری معرفی می‌گردد و نوع وزن‌هایی که غالب در غزلیات خود استفاده نموده با توجه به سبک هندی بررسی می‌شود. اساس کار ما در این مقاله، دیوان اشعار غالب به تصحیح محسن کیانی است.

معرفی آماری اوزان غزل‌های غالب

در اینجا اوزان غزل‌های غالب به ترتیب فراوانی کاربرد معرفی می‌شود و در برابر هر وزن تعداد غزل‌های سرود شده به آن وزن و نسبت آن‌ها به کل غزل‌های غالب ثبت گردیده است.

معرفی آماری اوزان غزل‌های غالب

شماره	وزن مصراع	نام وزن	تعداد غزل	درصد
۱	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن	مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف	۶۳	۱۸/۸۶
۲	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن	مجتث مثنیٰ مخبون محذوف	۵۴	۱۶/۱۷
۳	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	رمل مثنیٰ مخبون محذوف	۴۹	۱۴/۶۷
۴	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	هزج مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف	۴۴	۱۳/۱۷
۵	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنیٰ محذوف	۳۶	۱۰/۷۸
۶	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مثنیٰ سالم	۳۶	۱۰/۷۸
۷	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	منسرح مثنیٰ مطوی مکشوف	۹	۲/۶۹
۸	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن	رجز مثنیٰ مطوی مخبون	۷	۲/۱۰
۹	فاعلاتن مفاعیلن فعلن	خفیف مسدس مخبون محذوف	۶	۱/۸۰
۱۰	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	هزج مسدس محذوف	۵	۱/۵۰
۱۱	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مثنیٰ سالم	۵	۱/۵۰
۱۲	فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن	مقتضب مثنیٰ مطوی مقطوع	۴	۱/۲۰
۱۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس محذوف	۴	۱/۲۰
۱۴	مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع	منسرح مثنیٰ مطوی منحور	۳	۰/۹۰
۱۵	فعولن فعولن فعولن فعولن	مقارب مثنیٰ سالم	۲	۰/۶۰
۱۶	مفعول مفاعیلن فعولن	هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف	۲	۰/۶۰
۱۷	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن	رمل مثنیٰ مخبون	۲	۰/۶۰
۱۸	فاعلاتن فعلاتن فع لن	رمل مسدس مخبون اصلم	۱	۰/۳۰
۱۹	فع لن فعولن فع لن فعولن	مقارب مثنیٰ اثلیم	۱	۰/۳۰
۲۰	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	رمل مثنیٰ مشکول	۱	۰/۳۰
۱۰۰	جمع کل غزل‌ها			۳۳۶

همچنان که می‌بینیم، غالب ۳۳۴ غزل خود را در ۲۰ وزن سروده است. این ۲۰ وزن را براساس میزان استفاده شاعر می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱) ۶ وزن اول که بیشترین بسامد را دارد و حدود ۸۵٪ از مجموع غزل‌های غالب را شامل می‌شود، گروه اول را تشکیل می‌دهد. این شش وزن همان شش وزن پرکاربرد در شعر فارسی است. وزن مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن پرکاربردترین وزن در غزل غالب است در غزل فارسی نیز بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. این وزن طبق نظر خانلری وزن متوسط ثقیل به شمار می‌آید و برای بیان مضمون مورد نظر شاعر گنجایش بیشتری دارد.

وزن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن از وزن‌های متوسط خفیف است که درصد کاربرد آن در دیوان غالب از درصد کاربرد آن در غزل فارسی بیشتر است و از وزن‌های مورد علاقه شاعر محسوب می‌شود.

وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن و نیز وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن که رتبه سوم و چهارم در غزل غالب را داراست از اوزان متوسط خفیف و ثقیل است که غالب ۹۳ غزل خود را در این دو وزن سروده و این نشان دهنده توجه خاص او به این دو وزن است. به ویژه وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن که در غزل سعدی و حافظ نیز بسیار به کار رفته است.

وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن و وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فاعلن از اوزان ثقیل است که در غزل غالب کاربرد چشمگیری یافته است و از وزن‌هایی است که شاعران سبک هندی به آن‌ها توجه خاص نشان داده و غزل‌های بسیاری را در این دو وزن سروده‌اند.

۲) از وزن ۷ تا ۱۳ را می‌توان در گروه دوم جای داد، که حدود ۱۲٪ از غزل‌های او را در برمی‌گیرد. دو وزن اول این گروه از اوزان دوری محسوب می‌شود و غالب به مراتب بیشتر از متوسط کاربرد غزل فارسی و حتی سبک هندی، این دو وزن را استفاده نموده است. وزن‌های کوتاه فاعلاتن مفاعیلن فاعلن و مفاعیلن مفاعیلن فاعلن از وزن‌های پر کاربرد در سبک هندی است که در دیوان غالب کمتر به کار رفته و غالب تمایل کمتری به کاربرد این دو وزن نشان داده است. بحر رجز مثنی‌س سالم از وزن‌های ثقیل شعر فارسی محسوب می‌شود و با وجود آن که در سبک هندی زیاد مورد استقبال قرار نگرفته است، غالب به کاربرد آن تمایل داشته و پنج غزل خود را در این وزن سروده که با توجه به میزان آن در سبک هندی این تعداد قابل توجه است.

وزن فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن از بحرهای کم کاربرد شعر فارسی است. غالب چهار غزل خود را در این وزن سروده است و وجود این وزن در دیوان او می‌تواند از ویژگی‌های سبکی محسوب شود.

آخرین وزن این گروه که از وزن‌های کوتاه است با توجه به کاربرد آن در غزل فارسی در شعر غالب چندان مورد استقبال قرار نگرفته است.

۳) ۶ وزن باقی مانده (از وزن ۱۴ تا ۲۰) کمترین کاربرد را در غزل‌های غالب دارد و تنها ۳٪ غزل‌های او را شامل می‌شود. این وزن‌ها در شعر فارسی نیز از اوزان کم کاربرد محسوب می‌شود؛ بویژه در سبک هندی چندان مورد استفاده قرار نگرفته است. اما وجود این اوزان در غزل غالب نشان دهنده تمایل او به انصراف از سبک هندی و بازگشت ادبی است.

دسته بندی وزن‌های غزل غالب

طبق تحقیقات و بررسی‌های خانلری اوزان فارسی براساس سه ملاک طول (برحسب تعداد هجا)، خفیف و ثقیل (برحسب نوع هجا) و تناوب به پنج گروه اوزان کوتاه، متوسط ثقیل، متوسط خفیف، بلند ثقیل و متناوب تقسیم بندی گردیده است. در مورد رواج هر یک از این گروه‌های وزنی در دوره‌های مختلف، خانلری آن را به «اوضاع اجتماعی و حالات روحی ملت ایران» ربط داده است.

خانلری در پژوهش عالمانه‌ای که تحت عنوان (تحقیق انتقادی در عروض فارسی و چگونگی تحول اوزان غزل) نموده اند ۲۰۹۹۶ غزل فارسی را از دیوان های ۵۱ شاعر مربوط به آغاز قرن ششم تا پایان قرن سیزدهم را مورد مطالعه قرار داده است و نسبت درصد استعمال هر یک از اوزان را در غزلیات آنان و سیر تحول و موارد کاربرد وزن ها را باز نموده اند (خانلری، ۱۳۷۲: ۱۴۷ به بعد).

یافته‌های خانلری نشان می‌دهد که از حدود قرن هشتم اوزان متوسط ثقیل بتدریج جای اوزان کوتاه و متوسط خفیف را که در دوره‌های قبل در غزل رواج داشت می‌گیرد. از نظر او وزن‌های خفیف، مهیج و سرور آور و متناسب با مضامین نشاط انگیز و شادی بخش است. و وزن‌های متوسط ثقیل را دارای آهنگی متین و سنگین و غم انگیز معرفی می‌کند (خانلری، ۱۳۷۲: ۱۵۲ به بعد).

نوع وزن	بحر وزن و بحر	درصد کاربرد در غزل غالب
کوتاه	مفاعیلن مفاعیلن فعولن، هزج مسدس محذوف	۱/۵۰
	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن، رمل مسدس محذوف	۱/۲۰
	فاعلاتن مفاعلن فعلن، خفیف مخبون محذوف	۱/۸۰
	مفعول مفاعلن فعولن، هزج اخرب مقبوض محذوف	۰/۶۰
متوسط خفیف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن، رمل مثنی مخبون محذوف	۱۴/۶۷
	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فعلن، مجتث مخبون محذوف	۱۶/۱۷
متوسط ثقیل	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن، مضارع اخرب مکفوف محذوب	۱۸/۸۶
	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن، رمل مثنی محذوف	۱۰/۷۸
	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن، هزج اخرب مکفوف محذوف	۱۳/۱۷
بلند ثقیل	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن، هزج مثنی سالم	۱۰/۷۸
	مستفعلن مستفعلن مستفعلن، رجز مثنی سالم	۱/۵۰
بلند خفیف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن، رمل مثنی مخبون	۰/۶۰
متناوب	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن، منسرح مطوی مخبون مکشوب	۲/۶۹
	مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن: رجز مطوی مخبون	۲/۱۰
	فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن: مقتضب مثنی مطوی مقطوع	۱/۲۰
	فاعلات فاعلاتن فاعلات فاعلاتن: رمل مثنی مشکول	۰/۳۰
	فع لن فعولن فع لن فعولن: متقارب مثنی اثلیم	۰/۳۰

باتوجه به جدول در می‌یابیم که غالب نیز مانند دیگر شاعران سبک هندی به استفاده از اوزان کوتاه تمایل کمتری داشته است و تنها ۵/۱ درصد غزل‌های خود را در وزن‌های کوتاه سروده است. ۷۳/۶۵ درصد غزل‌های او در اوزان متوسط ثقیل و متوسط خفیف است. چون این وزن‌ها گنجایش بیشتری برای بیان مفاهیم و مضامین داشتند. استفاده از اوزان بلند ثقیل، بخصوص بحر هزج مثنی‌سالم نیز در غزلیات غالب قابل توجه است.

مقایسه آماری وزن در غزل غالب با وزن غزل در سبک هندی و وزن غزل فارسی

ترتیب در غزل غالب	وزن	فراوانی در غزل غالب	ترتیب در سبک هندی	فراوانی نسبی در سبک هندی	ترتیب در غزل فارسی	فراوانی نسبی در غزل فارسی
۱	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن	۱۸/۸۶	۳	۱۶/۰۹	۱	۱۴/۸
۲	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن	۱۶/۱۷	۲	۱۶/۶۵	۳	۱۳/۵
۳	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	۱۴/۶۷	۴	۱۲/۴۲	۴	۱۳/۵
۴	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	۱۳/۱۷	-	-	۶	۶/۹
۵	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱۰/۷۸	۱	۲۰/۱۲	۲	۱۴/۶
۶	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۱۰/۷۸	۵	۱۰/۸۹	۵	۸/۴
۷	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	۲/۶۹	۱۲	۰/۳۸	۱۴	۱/۶
۸	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن	۲/۱۰	۱۵	۰/۲۷	۱۵	۱/۳
۹	فاعلاتن مفاعیلن فعلن	۱/۸۰	۶	۴/۴۴	۸	۲/۹
۱۰	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	۱/۵۰	۷	۲/۳۹	۷	۳/۷
۱۱	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	۱/۵۰	۱۱	۰/۹۱	۱۳	۱/۸
۱۲	فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن	۱/۲۰	-	-	-	-
۱۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱/۲۰	۹	۲/۱۹	۱۱	۲/۲
۱۴	مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع	۰/۹۰	-	-	۱۹	۰/۹
۱۵	فعولن فعولن فعولن فعولن	۰/۶۰	-	-	۲۱	۰/۶
۱۶	مفعول مفاعیلن فعولن	۰/۶۰	۸	۲/۲۳	۹	۲/۷
۱۷	فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن	۰/۶۰	-	-	۰/۲۳	۰/۵
۱۸	فاعلاتن فعلاتن فع لن	۰/۳۰	-	بسیار کم	۱۸	۱/۱
۱۹	فع لن فعولن فع لن فعولن	۰/۳۰	-	-	-	-
۲۰	فعلاتن فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن	۰/۳۰	۱۳	۰/۳۲	۱۶	۱/۲

باتوجه به جدول در می‌یابیم، که شش وزن اول که غالب حدود ۸۵ درصد غزل‌های خود را در آن‌ها سروده، همان شش وزن پرکاربرد زبان فارسی و غزل سبک هندی است.

بررسی یکایک اوزان

وزن رتبه اول یعنی «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» در غزل غالب، چنانکه مشاهده می‌شود، در غزل فارسی نیز رتبه اول را دارد؛ اما کاربرد آن در شعر غالب از میزان متوسط سبک هندی و نیز میزان کاربرد آن در غزل فارسی بیشتر است.

وزن دوم جدول در سبک هندی نیز رتبه دوم را دارد و سومین وزن پرکاربرد در غزل فارسی است. میزان کاربرد آن در غزل غالب از میزان آن در سبک هندی کمتر و از میزان کاربرد آن در غزل فارسی بیشتر است.

میزان کاربرد وزن سوم در غزل بیش از میزان متوسط کاربرد آن در سبک هندی و غزل فارسی است.

در مورد وزن چهارم که از وزن‌های پرکاربرد در غزل فارسی است و حتی در شعر سعدی و حافظ نیز کاربرد زیادی دارد، خانلری اشاره‌ای نکرده است. اما یافته‌ها نشان می‌دهد که کاربرد این وزن با وضعیت کلی شعر در سبک هندی سازگار است و غالب نیز بیش از متوسط کاربرد آن در غزل فارسی این وزن را به کار گرفته است.

وزن پنجم که در غزل سبک هندی رتبه اول و در غزل فارسی دومین وزن پرکاربرد است در غزل غالب کمتر از میزان متوسط سبک هندی و غزل فارسی به کار گرفته شده است.

کاربرد وزن ششم در غزل غالب تقریباً به اندازه کاربرد آن در سبک هندی است. اما از میزان متوسط کاربرد آن در غزل فارسی بیشتر است.

وزن هفتم و هشتم که از اوزان متناوب است، در غزل غالب از میزان کاربرد آن در سبک هندی و همچنین از متوسط کل بیشتر است.

وزن‌های نهم و دهم طبق نظر خانلری از اوزان کوتاه محسوب می‌شود و غالب در حد قابل توجهی کمتر از هر دو میزان غزل در سبک هندی و متوسط کل به آن‌ها تمایل نشان داده است.

وزن یازدهم که به نظر خانلری از وزن‌های بلند ثقیل محسوب می‌شود در غزل غالب از میزان آن در سبک هندی به میزان قابل توجهی بیشتر است، اما از میزان متوسط کل اندکی کمتر است.

وزن دوازدهم جزء اوزان رایج غزل نیست و استفاده غالب از این وزن کم کاربرد را می‌توان ویژگی سبکی او تلقی نمود.

وزن سیزدهم که مطابق نظر خانلری از اوزان کوتاه است، کاربرد آن در غزل غالب از متوسط سبک هندی و متوسط کل کمتر است.

وزن‌های چهاردهم و پانزدهم از وزن‌های کم کاربرد است که خانلری آن‌ها را بررسی نکرده است. وزن شماره چهاردهم که طبق ملاک‌های او وزن متوسط خفیف محسوب می‌شود، غالب تقریباً معادل میزان متوسط کل به کار برده است. و کاربرد وزن پانزدهم نیز در غزل غالب تقریباً با میانگین غزل فارسی برابر است.

وزن شانزدهم را غالب بسیار کمتر از هر دو معیار به کار برده است. این وزن نیز از اوزان کوتاه محسوب می‌شود.

وزن هفدهم از اوزان کم کاربردی است که خانلری بررسی نکرده است، و طبق یافته‌های خانلری این وزن را باید از اوزان بلند نسبتاً خفیف محسوب نمود، که در سبک هندی کاربرد آن پایین تر از میانگین غزل فارسی بوده است. استفاده غالب از این وزن تقریباً معادل متوسط کل است.

وزن هیجدهم جزء چهار وزن کوتاهی است که طبق نظر خانلری هیچ گاه در نزد شاعران غزل سرا رواج نیافته است و میزان کاربرد غالب از این وزن نیز بسیار کمتر از میزان متوسط غزل فارسی است. وزن نوزدهم و بیستم از اوزان متناوب است که کاربرد آن در غزل غالب از هر دو معیار پایین تر است.

پرکاربردترین وزن‌ها در غزل غالب

۱- بحر مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف:

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

نقشی ز خود به راه گذر بسته‌ایم ما بر دوست راه ذوق نظر بسته‌ایم ما

(دیوان، ۱۸)

از جمله غزل‌هایی که در این وزن سروده شده اند، می‌توان به غزل‌های: ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۳۴، ۱۵۱، ۱۷۰، ۱۶۶، ۱۸۴، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۲۸ و ۲۳۳ به عنوان نمونه اشاره نمود.

۲- بحر مجتث مثنیٰ مخبون محذوف:

مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فععلن

من آن نیم که دگر می‌توان فریفت مرا فریتمش که مگر می‌توان فریفت مرا

(دیوان، ۲۰)

غزل‌های ۲۸، ۲۹، ۴۹، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۷۳، ۷۸، ۸۰، ۱۱۵، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۱۶، ۲۲۷، ۲۸۹، ۲۶۴ و ۳۲۰ نمونه‌هایی از غزل غالب در این وزن است.

۳- بحر رمل مثنیٰ مخبون محذوف:

فاعلاتن فعلاتن فععلن

محو کن نقش دویی از ورق سینه‌ی ما ای نگاهت الف صیقل آئینه‌ی ما

(دیوان، ۱۶)

غزل‌های: ۱۰، ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۴۶، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۶۹، ۱۸۶، ۱۹۲، ۲۲۲، ۲۳۷، ۲۴۸، ۲۶۸ و ۲۹۴ از جمله غزل‌های سروده شده در این وزن هستند.

۴- بحر هزج مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف:

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن

خاموشی ما گشت بدآموز، بتان را زین پیش وگرنه اثری بود فغان را

(دیوان، ۱۴)

غزل‌های ۲۴، ۲۵، ۴۸، ۵۱، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۵۷، ۲۳۸، ۲۵۴، ۲۷۱، ۲۸۲ و ۳۲۷ نمونه‌هایی از غزل غالب در این وزن هستند.

۵- بحر رمل مثنیٰ محذوف:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

چون عذار خویش دارد نامه اعمال ما ساده پرکار فراوان شرم اندک سال ما
(دیوان، ۱۴)

غزل‌های ۲۰، ۳۰، ۵۸، ۵۹، ۶۹، ۷۰، ۸۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۵۲، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۷، ۲۱۱، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۷۳، ۲۸۰، ۳۰۶ و ۳۲۲ از جمله غزل‌های سروده شده در این وزن هستند.

۶- بحر هزج مثنی‌م سالم:

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

تعالی الله به رحمت شاد کردن بی‌گناهان را خجل نپسندد آزرم کرم بی‌دستگاهان را
(دیوان، ۱۳)

غزل‌های ۷، ۱۳، ۱۴، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۳، ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۶۷، ۲۷۸، ۳۱۱، ۳۱۵ و ۳۳۳ نمونه‌هایی از این وزن در غزل غالب است.

ب) اوزان کم‌کاربرد در غزل غالب

۱- بحر مقتضب مثنی‌م مطوی مقطوع:

فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن

امشب آتشین رویی گرم زند خوانی‌هاست کز لبش نوا هر دم در شرر فشانی‌هاست
(دیوان، ۴۲)

غزل‌های: ۲۰۵، ۳۱۴ و ۲۷۶ در این وزن سروده شده‌است.

۲- بحر منسرح مثنی‌م مطوی منحور:

مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

من به وفا مردم و رقیب به در زد نیمه لبش انگبین و نیمه تبر زد
(دیوان، ۹۳)

غزل‌های ۲۸۵ و ۳۱۲ به این وزن سروده شده‌است.

۳- بحر متقارب مثنی‌م سالم:

فعولن فعولن فعولن فعولن

دریغاکه کام و لب از کار ماند سخن‌های ناگفته بسیار ماند
(دیوان، ۸۹)

غزل ۳۰۲ نیز در این وزن سروده شده‌است.

۴- بحر رمل مثنی‌م مخبون:

فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

ای خداوند خردمند و جهان داور دانا وی به نیروی خرد بر همه کردار توانا
(دیوان، ۳۲)

۵- بحر رمل مسدس مخبون محذوف:

فاعلاتن فعلاتن فعلن

لب شیرین تو جان نمک است وین که گفتم به زبان نمک است

(دیوان، ۳۸)

ج) کاربرد اوزان کوتاه در غزل غالب

۱- بحر خفیف مسدس مخبون محذوف:

فاعلاتن مفاعیلن فعلن

کشته را رشک کشته دگر است من و زخمی که بر دل از جگر است

(دیوان، ۵۲)

غزل های: ۱۰۷، ۱۱۴، ۲۳۶ و ۲۷۵ از جمله غزلهای سروده شده در این وزن است.

۲- بحر هزج مسدس محذوف:

مفاعیلن مفاعیلن فعولن

خوشا حالم تن آتش بستر آتش سپندی کو که افشانم بر آتش

(دیوان، ۱۰۹)

غزل های: ۲۷۹، ۲۳۵ و ۲۹۱ نیز در این وزن سروده شده اند

۳- بحر رمل مسدس محذوف:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

چون به قاصد بسپرم پیغام را رشک نگذارد که گویم نام را

(دیوان، ۲۱)

غزل های ۱۵۶، ۲۶۶ و ۲۷۴ در این وزن سروده شده اند.

۴- بحر هزج مسدس اخرب:

مفعول مفاعیلن فعولن

بر دل نفس غمم سراسر آور چون ناله مرا ز من سراسر آور

(دیوان، ۱۰۱)

غزل ۳۳۴ یعنی آخرین غزل دیوان غالب نیز در این وزن است.

دسته بندی سبکی اوزان غزل غالب:

اوزان غزل های غالب را می توان به سه دسته سبکی، غیر سبکی و اوزان نادر تقسیم کرد:

۱- اوزان سبکی: وزنهایی که میزان استفاده غالب از آنها با میزان کاربرد معیار تفاوت دارد و می توان از اوزان سبکی محسوب نمود، به دو دسته تقسیم می شود: اوزانی که کاربرد آنها در غزل غالب کمتر از میزان کاربرد در سبک هندی است و اوزانی که غالب بیش از حد سبک هندی از آنها استفاده کرده است.

۱-۱- کاربرد اوزان ۵، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۶ در غزل‌های غالب کمتر از متوسط کاربرد آن در سبک هندی و همچنین متوسط کل دوره‌ها است.

وزن‌های ۹، ۱۰، ۱۳ و ۱۶ همه کوتاه است و به این ترتیب می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های سبکی وزن‌های غزل غالب، اندک بودن اوزان کوتاه است.

۱-۲- وزن‌هایی که غالب آن‌ها را بیش از میزان متوسط در سبک هندی به کار گرفته است؛ اوزان ۱، ۳، ۷، ۸، ۱۱، ۱۴ و ۱۷ در غزل‌های غالب بیش از متوسط قرن یازدهم (سبک هندی) است.

وزن ۱ متوسط ثقیل است. وزن ۳ و ۱۴ متوسط خفیف است. وزن ۷، ۸ و ۱۹ از اوزان متناوب (دوپاره) است، وزن ۱۱ بلند و ثقیل است و وزن ۱۷ بلند و خفیف است و وزن ۸ ضمناً بلند (شانزده هجایی) نیز هست.

بنابراین می‌توان گفت بلند بودن، ثقیل بودن و قابلیت تقسیم به دوپاره، از ویژگی‌های اوزان مورد علاقه غالب است.

۲- اوزان غیر سبکی: وزن‌هایی که غالب کم و بیش آن‌ها را برابر میزان متوسط سبک هندی به کار برده است و یا کاربرد آن‌ها در ادامه مسیر منطقی آن وزن در آن دوره است، جزء اوزان غیر سبکی محسوب می‌شوند، چون این وزن‌ها بیانگر ویژگی سبک دوره است و با ویژگی‌های سبک شخصی شاعر ارتباطی ندارد. به این ترتیب وزن‌های ۲، ۴، ۶، ۱۵، ۱۸ و ۲۰ در این دسته جای می‌گیرد.

۳- تنها وزن نادر غزل غالب، وزن ۱۲ است که اولین کاربرد این وزن غزلی از عطار است (مدرسی، ۱۳۸۴: ۳۴۴). حافظ نیز غزلی در این وزن سروده است. خواجهی کرمانی، صائب، کلیم و فیض کاشانی نیز هر یک در این وزن طبع آزمایی کرده‌اند و یکی دو غزل یا تک بیت به آن سروده‌اند. بیدل سیزده غزل به این وزن سروده است. غالب ۴ غزل خود را به این وزن سروده است.

نتیجه

غالب به تبع «سنت شاعری و شیوه معمول زمان» از نظر شش وزن پرکاربرد غزل‌هایش، تفاوت چندانی با سبک هندی ندارد. این وزن‌ها شامل بحرهای مضارع اخرب، مجتث مخبون، رمل مخبون و هزج اخرب، رمل محذوف و هزج سالم است. غالب وزن «فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن» که نمونه کاربردش در شعر فارسی انگشت شمار است را در ۴ غزل به کار برده است. کاهش یا افزایش استفاده از برخی اوزان نسبت به سبک هندی در غزل غالب نشانه‌هایی از تغییر سبک و بازگشت ادبی در غزل او است که از جمله آن‌ها می‌توان وزن مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن را نام برد. غالب این وزن را بیشتر از متوسط کاربرد آن در سبک هندی به کار گرفته و یا وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن که در غزل او بسیار کمتر از متوسط کاربرد آن در سبک هندی است. غالب همچون دیگر شاعران سبک هندی، تمایل کمتری به استفاده از اوزان کوتاه دارد و درصد کمی از غزل‌های خود را در این وزن سروده است. بلند بودن، ثقیل بودن و قابلیت تقسیم به دوپاره بودن از ویژگی‌های مهم اوزان مورد علاقه غالب است. چون غالب این نوع وزن‌ها را بیش از متوسط کاربرد آن در سبک هندی مورد استفاده قرار داده است.

منابع

- ۱- بوزانی، الکساندر. (۱۳۷۲). «سبک شعر بیدل و غالب دهلوی»، مترجم: ترابی، کیهان فرهنگی، ش ۹۹، تیر.
- ۲- حائری، محمدحسن. (۱۳۸۱). *سومنات خیال* (قصیده‌های فارسی غالب دهلوی)، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ۳- _____ . (۱۳۷۱). *میخانه آرزو*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- ۴- خانلری، پرویز. (۱۳۷۳). *وزن شعر فارسی*، تهران: توس، چاپ ششم.
- ۵- _____ . (۱۳۲۷). *تحقیق انتقادی در عروض فارسی و چگونگی تحول اوزان غزل*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۱). *آشنایی با عروض و قافیه*، تهران: انتشارات فردوس، چاپ هفتم.
- ۷- _____ . (۱۳۸۶). *سیر غزل در شعر فارسی*، تهران: نشر علم، چاپ هشتم.
- ۸- صبور، داریوش. (۱۳۷۰). *آفاق غزل فارسی*، تهران: نشر گفتار، چاپ دوم.
- ۹- غالب دهلوی، میرزا اسدالله خان. (۱۹۶۶م). *کلیات غالب* (فارسی)، تصحیح سید مرتضی حسین فاضل لکهنوی، لاهور: مجلس ترقی ادب.
- ۱۰- _____ . (۱۳۷۶). *دیوان*، به اهتمام محسن کیانی، تهران: انتشارات روزنه، چاپ اول.
- ۱۱- فرجاد، محمدعلی. (۱۹۷۷م). *احوال و آثار میرزا اسدالله خان غالب*، اسلام آباد، پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۱۲- فرزاد، مسعود. (۱۳۵۹). «عروض حافظ»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ۱۸، ش ۱، فروردین، ص ۲۰۱-۲۱۷.
- ۱۳- مدرسی، حسین. (۱۳۸۴). *فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۱۴- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۵۹). «درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی»، *آشنایی با دانش*، ش پیاپی ۷ فروردین، ص ۵۹۱-۶۲۵.
- ۱۵- نیکنام، غلامحسین. (۱۳۸۲). *در آینه خیال: تحلیل سبک شناختی غزلیات غالب دهلوی*، آمل: انتشارات طالب آملی.